

# جامعه شناسی

## نویسندگان ایرانی

از مجموعه مطالعات ایرانی

SOCIOLOGY of the

IRANIAN

WRITER

Compiled & edited by

Michael Criag Hillmann

IRANIAN STUDIES

18(1985), nos. 2 - 4

جامعه شناسی نویسندگان ایرانی هجدهمین جلد از مجموعه مطالعات ایرانی است که در سال ۱۹۸۵ به زبان انگلیسی در خارج از کشور منتشر شده و در واقع شماره‌های ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ مربوط به فصل‌های بهار، تابستان و پاییز را شامل است. مجموعه مطالعات ایرانی نشریه "انجمن مطالعات ایرانی" امریکا محسوب می‌شود، که در مجلد قبلی خود، ادبیات و جامعه در ایران (شماره ۱۵) به بررسی آثار صادق هدایت، صادق چوبک، ابراهیم گلستان، جلال آل احمد، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری، طاهره صفارزاده، و چند تن دیگر پرداخته بود.

جامعه شناسی نویسندگان ایرانی دو مقدمه یا معرفی، هفت مقاله، یک "شرح حال" (به زبان فارسی)، یک فیلم نامه، و شش نقد کتاب دارد:

مقدمه‌ها: "پیش گفتار، سیاس‌گرایی، اهدا" (مایکل هیلمن) و "افسانه‌های قدرت" (مایکل بیرد).

مقالات: "تعهد در ادبیات فارسی" (حمید دباشی)، "اعتراض و نابودی" (احمد کریمی حکاک)، "نویسندگان ایرانی، سینمای ایران، و داش آکل" (حمید نفیسی)، "هوشنگ گلشیری و نگرانی‌های داستان‌نویسان ایرانی در دوره پس از پهلوی" (محمدر. قانون‌پرور)، "احمد شاملو: شاعر سرکش، درخت و جوی‌شنونده" (لئوناردوی. آلیش)، "قدرت، احتیاط، و نشر" (فرزانه میلانی).

شرح حال: شرح حال (غلامحسین ساعدی) (به فارسی)  
 فیلم نامه: گاو (غلامحسین ساعدی) (ترجمه محسن قادسی)

بعد کتاب: محمد علی جمال زاده: اصفهان نصف جهان" (احمد کرمی حکاک)، "اسماعیل فصیح: ثریا در اغما" (رضا نواب پور)، "محمود دولت آبادی: کلیدر" (رضا نواب پور).

"پروین اعنصامی: نوحه، بلبل" (ریوان سندلر) جلال آل احمد: گم گشته در اردحام" (فرهنگ جهان پور)، "نادر نادرپور: صبح دروغین (گزیده اشعار)" (جان گرین): مایکل هیلمن، ویراستار میهمان این مجلد، در بخش "بیش گفتار" مقاله خویش، به بررسی موقعیت ادبیات نوین ایران در ایران و غرب می پردازد:

در نظر بسیاری از نویسندگان و منتقدان ایرانی، ادبیات نوین فارسی، که با انتشار اشعار نیما یوشیج در اواخر دهه ۱۹۳۰ و داستان بوف کور صادق هدایت در اواخر سال ۱۹۴۱ آغاز شد، متنوع ترین و از لحاظ نقد جالب ترین مرحله را در تاریخ هزار و صد ساله ادبیات فارسی را تشکیل می دهد.

حیل قابل توجه و گویایی از این ادبیات نوین - داستان، داستان کوتاه، مقاله، شعر، و چند نمایش نامه و فیلم نامه - با ترجمه های انگلیسی بایسته، در دسترس خوانندگانی که از نزدیک با زبان فارسی محشور نیستند قرار دارد.

بدبختانه، خوانندگان، از متخصص و غیر، هیچگاه در پی نوشتارهای انتقادی ای که آنان را در برخورد با این ادبیات و شناخت ارزش های آن یاری کند بر نمی آیند. تا حدودی می توان گفت که چون ادبیات سنتی همواره بخش اعظم توجه و حمایت رسمی را جهت آموزش زبان فارسی در ایران و خارج از آن خود کرده، پژوهش انتقادی در ادبیات نوین، حداقل در غرب، ناچیز، پراکنده، و تا به سامان گشته است. سپس با اشاره به سهمینه های که رنه ولک و آستین وارن در کتاب خودتئوری ادبیات آن ها را به عنوان زمینه های تشکیل دهنده، مباحث "ادبیات و جامعه" دانسته اند، متذکر می شود که در جلد پیشین این مجموعه (ادبیات و جامعه در ایران) فقط به دو تا از این سه زمینه پرداخته شد: "محتوای اجتماعی آثار ادبی، و تاثیر ادبیات بر جامعه". سپس مدعی می شود که:

اما تا به حال توجه کافی و بایسته ای به سومین زمینه اصلی مباحث ادبیات و جامعه، یعنی جامعه شناسی نویسنده، نشده است. ولک و وارن معتقدند که این زمینه حرفه و ادبیات، کل مسئله بنیان اقتصادی اثر ادبی، خواستگاه و پایگاه اجتماعی نویسنده و ایدئولوژی او را (که ممکن است در اظهارات و فعالیت های غیر ادبی تجلی یابند) در برمی گیرد. بدیهی است که با توجه به گرفتاری بسیاری از نویسندگان ایرانی مقیم ایران و نویسندگان مهاجر در پاریس و دیگر کشورها، جامعه شناسی نویسندگان ایرانی به هنگام ترین مبحث دوران پس از پهلوی گشته است.

این کتاب به همین مبحث می پردازد و بر نویسندگانی انگشت می گذارد که فعالیت شان از زمان حکومت پهلوی شروع شد و تا دوره جمهوری اسلامی ایران ادامه دارد. برجسته ترین آنان، بی گفت و گو، عبارتند از: سیمین دانشور، هوشنگ گلشیری،

احمد شاملو - که سه تا از هفت مقاله این مجلد، به ترتیب به قلم فرزانه میلانی، محمد ر. قانون پرور، و لئونارد پی. آلیش درباره آن‌هاست.

سه مقاله دیگر به مباحث گسترده‌تر جامعه‌شناسی نویسندگان ایرانی می‌پردازد. "تعهد در ادیبان نوین فارسی" به قلم حمید دباشی، زمینه‌آشنایی نظری خواننده را، از دیدگاهی جامعه‌شناسانه، با مبحث بی‌نهایت مهمی فراهم می‌آورد که پیش از این تنها به طور توصیفی و ایدئولوژیک بدان پرداخته شده بود. مقاله "اعتراض و نابودی" نوشته احمد کریمی حکاک، تقریباً گزارش یک شاهد عینی است از نبرد نویسندگان بدون تشکیلات اواخر دهه ۱۹۶۰ تا اوایل دهه ۱۹۸۰ بر علیه سانسور حکومتی و سایر موانعی که آنان را از انجام حرفه‌شان و دگرگون ساختن جامعه‌شان باز می‌داشت. مقاله حمید نفیسی تحت عنوان "نویسندگان ایرانی، سینمای ایران، و داش آکل" از محبوبیتی سخن می‌گوید که تبدیل و نمایش ادبیات نوین فارسی به صورت فیلم - این عمده‌ترین رسانه تفریحی و فعالیت خلاقه ایران از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا دهه ۱۹۷۰ - برای این ادبیات به ارمغان آورده است.

مقاله "افسانه‌های قدرت" مایکل بیرد، در یک بررسی کلی از مباحثی که ذکرشان رفت، به معرفی مقالات دیگر و شش مقاله نقد کتاب "ی که در پایان آمده است می‌پردازد و ارزیابی‌ای نیز از مفاد مجلد حاضر به عنوان کتابی که موضوع آن جامعه‌شناسی نویسندگان ایرانی است، به دست می‌دهد.

ویراستار مجموعه، در بخش دیگر نوشته خود، به "سیاس‌گرایی" از نهادها و اشخاص مختلف می‌پردازد: انجمن مطالعات ایرانی، ارواند آبراهامیان، علی بنوعزیزی، فرهاد کاظمی، مرکز مطالعات خاور میانه دانشگاه تگزاس در آستین، لئونارد آلیش، مایکل بیرد، حمید دباشی، محسن قادسی، محمد قانون پرور، جان گرین، احمد کریمی حکاک، فرهنگ جهان پور، فرزانه میلانی، حمید نفیسی، رضا نواب‌پور، و ربوین سندلر. آنگاه کتاب را به خاطره نویسنده‌ای از دست رفته اهدا می‌کند:

در طرح ریزی مجلد پیشین، ادبیات و جامعه در ایران، و همین کتاب پیش روی، جامعه‌شناسی نویسندگان ایران، قصد ما طبیعتاً این بوده که به‌مهمترین حوادث، گرایش‌ها، و نویسندگان ادبی بپردازیم. در هر مورد چون به دورنمای تقریباً "هر صفحه‌ای می‌اندیشیدیم، یک نام بارها و بارها به میان می‌آمد: غلامحسین ساعدی. این نام به معرفی نیاز ندارد: مهم‌ترین نمایش‌نویس تاریخ ایران، پیش آهنگ داستان نویسی در خلال یک ربع قرن، ویراستار مطبوعاتی خستگی‌ناپذیر، مقاله‌نویس و مردم‌شناسی برجسته، و وجدان ادبی نثر زمانه‌اش بود.

ما مطلب انتقادی و جدی‌ای درباره ساعدی ننوشتیم، و هیچ بهانه‌ای هم برای این کوتاهی نداریم، اما او چنان سرزنده بود، و همکاری‌اش در مجلد ۲۵ یا ۳۵ مطالعات ایرانی چنان مسلم که فکر می‌کردیم می‌توانیم صبر کنیم و فعلاً به مباحث فوری‌تر بپردازیم، و تمجید از این مرد خاص را به آینده موکول کنیم.

سپس، در اوایل صبح روز شنبه ۲۴ نوامبر ۱۹۸۵، غلامحسین ساعدی، حدود یک ماه مانده به پنجاهمین سال روز تولدش، در یکی از بیمارستانهای پاریس چشم از جهان فرو بست. در جلسه سالانه "انجمن مطالعات ایرانی" در نیواورلئان بودیم که این خبر به ما رسید، به سوگش سکوت کردیم. اشک ریختیم، و یادبودی ترتیب دادیم که در آن علی بنوعزیزی، حسن جوادی، فرزانه میلانی، حمید محمدی و خسرو شاکری سخن گفتند. اما جلسات و میاحث و قرارهای شام و میهمانی در فرنچ کوارتر و امثال آن را تعطیل نکردیم: ما نفهمیدیم و نخواستیم بفهمیم که مرگ ساعدی چه خسران عظیمی است. برای سال دیگر، پنج سال بعد، و نسل آینده این ضایعه عظیم تر خواهد بود.

ساعدی در مصاحبه‌ای که در تنها سفرش به ایالات متحده با نیویورک تایمز کرده بود - وی داشت ترتیبات سفر دومش را برای آوریل ۱۹۸۶ فراهم می‌آورد تا در جلسه انجمن قلم نیویورک حضور یابد و از چند دانشگاه این شهر دیدن کند - گفته بود که اگر از ایران و مردم‌اش جدا بماند، مرگ نویسنده‌اش فرا خواهد رسید. حق با او بود، خیلی بیش از آن که خود می‌پنداشت: از ایران جدا ماند و مرگش به تمامی فرا رسید. غلامحسین ساعدی از جلای وطن ببرد.

در ماه‌ها و سال‌های آینده چه تکریم‌ها که از ساعدی بشود. داستان‌های کوتاهش موشکافی و ارزیابی نقادانه خواهند شد - هر چند دیر هنگام، و از طریق ترجمه آن‌ها شنوندگان تازه شایسته خویش را خواهند یافت. شش شماره هر دو سری مجله الفبای وی از اقلام مجموعه‌داران خواهند شد و یادمانی از امانت و وجدان گرد آورنده‌شان خواهند بود. نمایش نامه‌هایش در اکناف جهان به صحنه خواهند رفت فیلم‌نامه‌ای که بر اساس سفرش از ایران نوشته و با داریوش مهرجویی، در آپارتمان خودش در گالینی، به مدت بیش از یک سال بر روی آن کار کرده بود روزی تهیه کننده خواهد یافت. و کسی داستان زندگی‌اش را روزی خواهد نگاشت.

اما، در حال، ما همکاران جامعه شناسی نویسندگان ایرانی، به اتفاق پرسنل، هیئت مدیره، و مشترکین مطالعات ایرانی، بی‌هیچ آلاشی، و با افتخار و اندوه، این کتاب را به خاطره دکتر ساعدی هدیه می‌کنیم. . . امید که این گونه نشریات ادبی و فرهنگی به وسعت دید ادب جویان و معرفی هر چه بیشتر آثار این مرز و بوم کمک کند و معرفی‌هایی از این دست نیز سبب شود که راستی‌ها و کاستی‌ها، و داوری‌های به جا و نا به جای آن‌ها، به نقد اهل نظر، بر مشتاقان و پیوندگان روشن شود.

